

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره نهم - آذر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۵

بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و

التحذیر»

(ص ۱۶۶-۱۴۳)

فاطمه حاجی قاسملو^۲، آیت شوکتی^۳ (نویسنده مسئول)،

مجتبی صفرعلیزاده^۴

تاریخ دریافت مقاله: بهمن ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: فروردین ۹۹

چکیده

نسخ خطی، گنجینه‌های ارز شمنند هر ملّتی هستند، که بازگوی فرهنگ و تمدن یک ملّت هستند. در پژوهش حاضر ویژگیهای سبک‌شناسی نسخه «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر»، اثر دبیر اعلم از نویسندگان دوره قاجار مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است که جزء آثار تعلیمی فابل است؛ تاکنون هیچ پژوهشی در این راستا صورت نگرفته است. هدف از این پژوهش، بررسی این نسخه خطی، از جهت رسم الخط و سبک‌شناسی است. این تحقیق که بر اساس اسنادی-توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بررسی و تحلیل شده، در صدد پاسخگویی به این پرسش است که بارزترین ویژگیهای سبکی این اثر چیست؟ یافته‌های پژوهش حاضر گواه آن است که به جهت تسلط دبیر اعلم به زبان عربی و ترکی در نسخه فوق میتوان تاثیرپذیری از این دو زبان را دریافت همچنین ویژگیهای سبک نثر قاجار که همانا بازگشت به سبک کتب قدیمی است، در لابلای این نسخه مشهود است. دبیراعلم به آثاری نظیر مثنوی، گلستان، کلیله و دمنه و... نظر داشته است.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، دبیراعلم، تقی‌عنوان‌نگار، «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر»، نسخه خطی.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.
(Hhajigasemloo@yahoo.com)

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. (نویسنده مسئول)
(Ayat.shokati@iaukhoy.ac.ir)

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران.
(Mojtaba.safaralizadeh@iau.ac.ir)

Stylistic study of the manuscript "Writing a translation Doro Al-nasir fi Al-nasihate va Al-tahzir"

Fatemeh Hagighasemloo¹, Ayat Shokati², Mojtaba Safaralizadeh³

Abstract

Manuscripts are valuable treasures of any nation, which reflect the culture and civilization of a nation. In the present study, the stylistic features of the "Writing a translation Doro Al-nasir fi Al-nasihate va Al-tahzir", the work of Dabir Alam, one of the authors of the Qajar period, have been analyzed and evaluated, which is one of Fable's educational works; So far no research has been done in this regard. The purpose of this study is to examine this manuscript in terms of calligraphy and stylistics. This research, which is based on documentary-descriptive and based on library studies, seeks to answer the question, what are the most obvious stylistic features of this work? The findings of the present study prove that due to the mastery of Alam in Arabic and Turkish in the above version, the influence of these two languages can be understood. Also, the characteristics of Qajar prose style, which is the return to the style of old books, are evident in this version. Dabira Alam has commented on works such as Masnavi, Golestan, Kelileh and Demneh, etc.

Key words: stylistics, Dabir alam, Tagi onvan negar, Writing a translation Doro Al-nasir fi Al-nasihate va Al-tahzir", manuscripts.

۱ - PhD student of Persian language and literature. Khoy branch Islamic azad university. Khoy. Iran (Hhajigasemloo@yahoo.com)

۲ - Department of Persian language and literature. Khoy branch Islamic azad university. Khoy. Iran (Author) (Ayat.shokati@iaukhoy.ac.ir)

۳ - Department of Persian language and literature. Khoy branch Islamic azad university. Khoy. Iran (Mojtaba.safaralizadeh@iau.ac.ir)

۱- مقدمه

نسخ خطی از مهم‌ترین ارکان فرهنگی بشر و نشانگر تاریخ و تمدن یک سرزمین هستند لذا «توجه به احیاء و تصحیح متون نمایانگر هویت و حیثیت ایرانی فارسی‌زبانان» (بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی، یلمهها: ص ۱۴۰) و تعمق و ژرف‌نگری در شناسنامه ملی ایران است؛ و موجب رونق و غنای پیشینه علمی، ادبی، تاریخی و... میشود.

تاریخ دوره قاجار به علت تحولات سیاسی و اجتماعی خاص، از نظر فرهنگی نیز حائز اهمیت است؛ که ضرورت دارد دستنویس‌هایش به منظور شناسایی این دوره تاریخی و پژوهش در ابعاد مختلف آن، تصحیح و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند. یکی از این نسخه‌ها که تصحیح و بررسی آن میتواند در بازآفرینی گذشته فرهنگی این دوره موثر باشد، نسخه خطی «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه والتحذیر» از میرزاتقی ساوجبلاغی، دبیراعلم است.

۱-۱) بیان مسأله

نام و شرح حال دبیراعلم:

تقی ساوجبلاغی خوشنویس، شاعر و نویسنده عصر قاجار قرن چهاردهم است. وی به سال ۱۲۶۴ ق در روستای نجم‌آباد ساوجبلاغ (البرز) متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در محضر پدر خود، محمد رئیس منشی شروع کرد و در سایه تربیت پدرش، مسئولیت تحریرات محرمانه و رسایل خاصه محمد شاه و مظفرالدین شاه را عهده دار شد. در دیوان اشعاری که از وی به جای مانده، تخلصش تقی و عنوان نگار ذکر شده است.

تا تقی را ز پر تو این عهد ذره آسا خدا برد بالا
حق به عنوان نگار بس معسور بخشدی از کرم نعیم و نوا
(دیوان اشعار، بیت: ۲۴-۲۳)

عنوان نگار، عنوانی است که مظفرالدین شاه به همراه دریافت ماهانه سی تومان مواجب به وی اعطا کرده است.

لقب دبیر اعلم نیز در بین اشعارش، به چشم میخورد.

بر دبیر اعلم پیر فقیر رحم فرماید خداوند قدیر
(نظم مصباح الشریعه، گ ۶۸)

وی در دیوان و مقدمه بسیاری از آثار خود خانواده خود را که همگی آراسته به انواع علم و هنر بوده‌اند، معرفی کرده است؛ و در مقدمه نسخه «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر» از برادر کوچکترش ملا عباسعلی، که نابینا بوده، یاد میکنند که «با

وجود صغر سن از اثر آفتاب عهد فیروز به قوه استماع تحصیل نموده...» (تحریر ترجمه درالنثیر، ساوجبلاغی: مقدمه) و پس از تبخّر در فقه و دیگر علوم ادبی و دینی، به فقیه الملک ملقب شده بود. همچنین از پسرش عزیزالله یاد میکند که کتاب درالنثیر، ترجمه برادرش را به خط خود نگاشته است.

اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران قاجار

«دگرگونیهای سیاسی و تغییرات اجتماعی که در قرن سیزدهم و چهاردهم قمری بر کشورگذشت، ویژگی خاصی به ساخت اجتماعی ایران در عهد قاجار داد. آغا محمدخان که پس از کشمکشها و خونریزیهای فراوان بر خاندان زند چیره شد، پایه گذار حکومتی بود که تا اوائل قرن چهاردهم هجری بر این مرز و بوم سایه گسترد. بعد از آغا محمدخان فتحعلیشاه بر تخت پادشاهی نشست.» (تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، خاتمی، ج ۱: ص ۱۴) «پس از مرگ فتحعلیشاه محمدشاه، فرزند عباس میرزا به قدرت رسید، پس از محمد شاه نیز فرزندش ناصرالدین شاه به قدرت رسید.» (گونههای نثر فارسی در عصر قاجار، حاجیبابایی: ص ۱۹) «در دوره حکومت وی اقدامات اجتماعی مطلوبی صورت گرفت.» (تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، خاتمی، ج ۱: ص ۱۴) پس از کشته شدن وی، به دست میرزای کرمانی، فرزندش مظفرالدین شاه به سلطنت رسید.

عنوان نگار در سال مرگ محمد شاه (۱۲۶۴ق) به دنیا آمده و دوران حکومت و سلطنت ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلیشاه، احمد شاه و پهلوی اول را درک کرده است. وی حدود شصت سال، در منصب دیوان رسایل مشغول خدمت بود که این منصب را هم به صورت ارثی و هم اکتسابی عهدهدار شده بود.

در رسایل شصت ساله آمدم
ارثاً و کسباً بدین شغل افتخار
تا از این قانون خوش واقف شدم
دارد این پیر غلام جان نثار
(ترجمه امینیه اتابکیه: مقدمه)

دبیر اعلم علاوه بر کارهای دیوانی و منشیگری در وزارت داخله دولت قاجار، به کشاورزی در زادگاه خود در زمینهایی که به رسم تیول در اختیار داشت، میپرداخته است. سال وفات وی بعد از سالهای ۱۳۴۷ ق قید شده است. (تراجم الرجال، حسینی شکوری: ص ۱۸۷) ایشان در ابن بابویه شهر ری به خاک سپرده شده است.

پدرش، میرزا محمد، از دوران جوانی در زمان محمد شاه «به تحصیل مشغول بود و قطعات مینوشت؛ سپس منشی دیوان رسایل و مسئول تحریرات و رسائل خاصه و فرامین محرمانه شد. به نظر پادشاه وی شایستگی داشت که نکات انشاء و تعلیمات و نویسندگی را درس بگوید. در صداقت نیز همانند خوشنویسی بینظیر بود. جدش عبدالکریم در زمان

فتحعلی‌شاه درجه اول خدمتگزاری را داشت. «(ترجمه امینیۀ اتابکیه، ساوجبلاغی: مقدمه) فروغی نیز در مقدمه «تحریرالعقلا»، از وی به عنوان وزیر فتحعلی‌شاه یاد میکند. (ر.ک تحریرالعقلا، فروغی: مقدمه)

«در منتظم ناصری نام میرزا محمد در فهرست منشیان ثبت شده است.» (ر.ک منتظم ناصری، رضوانی: ص ۵۲۸) همچنین «میرزا هدایت الله نیز در تذکره الخطاطین، میرزا محمد را از اساتید تحریر شکسته معرفی میکند.» (تذکره خوشنویسان، لسان‌الملک: ص ۱۴۴)

تحوّلات سیاسی، اجتماعی هر دو منجر به تحوّلات سبکی میشود؛ با توجه به اینکه پس از انقراض حکومت صفوی، کتابخانه‌های اصفهان و دربار صفویه و مراکز دیگر در نتیجه حمله افغانها از هم پاشید و گنجینه ارز شمند دربار دهلی نیز به وسیله سپاهیان نادر شاه تاراج شد و به ایران انتقال یافت. (ر.ک سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۲۷) دوره قاجار این زمینه را فراهم آورد تا مردم با شیوه و سیاق کتب قدیمی آشنا شوند. این رویداد همچنانکه شعر دوره قاجار را به سمت نهضت بازگشت هدایت کرد، باعث تحوّل و بهبود نثر دوره قاجار شد که نتیجه آن رهایی از انحطاط و کاهش غلط نویسی بود.

عامل دیگر تحوّل ساده نویسی نثر قاجار را میتوان از دیدگاه جامعه‌شناسی مطرح کرد. با توجه به اینکه در دوره صفویه ارتباط مرکز حکومت با بغداد قطع شده بود، گرایش اصلی به سادهنویسی بود. اما «این سادهنویسی اختیاری نیست بلکه قدرت بالفعل نویسندگان است.» (همان: ص ۲۷۴) در دوره قاجار رعایت اصل ساده نویسی امری حتمی و غیرقابل انکار است.

تضعیف اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر اثر شکست ایران از روسیه و فقر فرهنگی حاکم بر جامعه از دیگر عوامل اقتضای نویسندگان از قداما بود. چون اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه پویا نبود، لذا دیدگاه‌های نویسندگان نیز ایستا بود و با این وصف به پشتوانه‌های فرهنگی گذشته توجه داشتند.)

آثار دیراعلم:

از این ادیب پرمایه آثار فاخری در علوم و فنون گوناگون به چهار زبان فارسی، عربی، ترکی و فرانسه به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق بر جای مانده که عبارتند از:
۱- «دیوان اشعار؛ که شامل قصایدی در مدح مظفرالدین شاه و گروهی از درباریان آن عصر و مدایح و اغراض دینی و تواریخ و هزل است.

- ۲- دستور انشاء؛ عنوان دو اثر است که در یکی شماری از لغات، تمرینها... همراه با تلفظ و فونتیک نوشته شده است. اثر دیگر شبیه نسخه قبلی و دربردارنده دستوراتی است برای فراگیری زبانهای فارسی و عربی و ترکی و فرانسوی است.
- ۳- خلاصه تواریخ؛ در این منظومه خلاصه تاریخ ایران قدیم، تا عصر ناظم به نظم کشیده شده است.
- ۴- نظم مصباح الشریعه؛ (اخبار صادقیه) مؤلف در این اثر، کتاب حدیث مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه منسوب به امام صادق (ع) را به نظم کشیده است
- ۵- نظم کبری در منطق کبری؛ این کتاب نظمی بدون تفصیل است که در چند فصل تنظیم شده است.
- ۶- منظومهای در نحو؛ در این منظومه قواعد نحو با اختصار به نظم کشیده شده است.
- ۷- کنز مؤمن؛ منظومهای است در ۵۰۰ بیت درباره اصول دین و فروع فقهی چون احکام طهارت و نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد و تجارت. وی این کتاب را برای فرزندش میرزا رفیع نگاشته است. «فهرست نسخ خطی کتابخانه مرکز احیا، حسینی اشکوری، ۴۳۶- (۱۲)
- ۸- نهج البلاغه منظوم؛ که این اثر ظاهراً نخستین نهجالبلاغه منظوم فارسی است.
- ۹- نظم جامع عباسی، در این اثر جامع عباسی از تألیفات شیخ بهائی در قالب مثنوی به نظم درآمده است.
- ۱۰- نحو؛ در این کتاب قواعد علم نحو همراه با تمرینهایی در مسائل مختلف نگارش یافته است.
- ۱۱- ترجمه منظوم صحیفه سجّادیه؛ این اثر نخستین ترجمه منظوم صحیفه سجّادیه به فارسی است. مهدی دشتی، در مجله سفینه سال دوم، شماره هشتم پاییز ۱۳۸۴ این نسخه را معرفی کرده است. ظاهراً این کار در نوع خود، بدیع و بیسابقه است، چرا که در فهرستهای منتشر شده عمومی، نمونههای متقدم بر آن گزارش نشده است.
- ۱۲- ترجمه منظوم صد کلمه؛ نویسنده، (مترجم) در این کتاب، صد کلمه از کلمات قصار نهج البلاغه را به زبانهای ترکی، فارسی، فرانسه، برگردانده است.
- ۱۳- ترجمه عهدنامه مالک اشتر؛ ترجمه منظوم نامه ۵۳ نهجالبلاغه، که در قالب مثنوی است.
- ۱۴- تاریخ عالم؛ این اثر مثنوی بسیار مفصّلی از ابتدای خلقت حضرت آدم تا عصر سراینده است.

۱۵- ترجمه امینیّه اتابکیه (ترجمه شرح مثنوی ترکی)؛ این ترجمه شرح دفتر ششم مثنوی است که از زبان ترکی به فارسی ترجمه شده و به امین اتابک تقدیم و به نام او نیز نامگذاری شده است.

۱۶- منتخب ادعیه؛ دبیراعلم در مقدمه کتاب چاره‌ساز از این اثر نام میبرد که دعاهای ایام هفته را با همکاری پسرش عزیزالله به خط و تذهیب زیبا نگاشته است.

۱۷- قزل چشمه؛ که در موضوع عروض، صنایع ادبی، معانی، بیان و بدیع است.

۱۸- مدارج البلاغه؛ مؤلف در این کتاب فنون فصاحت و بلاغت و آرایه‌ها و صنایع ادبی بررسی کرده است.

۱۹- کتاب چاره‌ساز این کتاب به ترجمه و شرح پارهای از کلمات قصار نهج‌البلاغه پرداخته است. این نسخه به دست علی اکبر صفری تصحیح و معرفی شده است.

۲۰- شاهنشاه نامه، این مثنوی ادامه شاهنشاه نامهنویسی در تاریخ قاجار و شامل وقایع تاریخ سلاطین ملوک قاجار در مدت یکصد و هفتاد سال تا سال ۱۲۴۲ ق است.

تحریر ترجمه در النثیر فی النصیحه و التحذیر

مرواریدهای پراکنده در نصیحت کتابی است ادبی و حکمی از نوع فابل که "حسین حسنی" این حکایات حکمی را از بعضی تصانیف حکمی ترکی برگزیده و آن را به زبان عربی ترجمه کرده و آن را «درالنثیر» نام نهاده است. برادر کوچک دبیراعلم، ملا عبّاس سعلی فقیه الملک که نابینا و استاد در صرف و نحو و بدیع بود کتاب درالنثیر را از عربی به فارسی ترجمه کرده، به خط عزیزالله (فرزندش) تقدیم به امینالملک کرده است. با توجه به تاریخ ترقمه نسخه «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر» در سال ۱۳۰۹ دبیراعلم به تحریر این نسخه اعاده نموده‌اند. این اثر به نثر مرسل بر پایه شیوایی و ساده نویسی نگاشته شده است.

در معرفی که کتاب فهرست نسخ خطی ایران از این کتاب به عمل آورده، «این نسخه را بیکا و بیتا معرفی کرده است؛ (فهرست نسخ خطی ایران، درایتی، ج ۱۴: ص ۱۴۵۰۲) در حالیکه با توجه به کلمه «فدویانه» و «تسوید» در پایان چنین می‌توان نتیجه گرفت که خط نسخه «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر» از دبیراعلم می‌باشد و در پایان نیز، تاریخ نگارش به شکلی واضح و خوانا ۱۳۰۹ ذکر شده است. در مقدمه تعداد داستان‌ها ۲۵ عنوان ذکر شده است در حالیکه نسخه مشتمل بر ۲۶ حکایت است؛ دو حکایت ۴ و ۱۱ «گره با موشها» هم نام هستند که شاید نظر دبیراعلم به این امر بوده است. عنوان هر حکایت با رنگ شنگرف به شکل زیبایی، نگاشته شده است. که عبارتند از:

حکایت اول گره و ورباه	حکایت دوم مور و صرار
حکایت سوم شیر و خر	حکایت چهارم گره با موشها

حکایت پنجم سگ و روباه	حکایت ششم روباه و غراب
حکایت هفتم سگ دزد	حکایت هشتم بوزینه و سنگ پشت
حکایت نهم ماهی متکبر	حکایت دهم زارع فضول و عبرت او
حکایت یازدهم گربه با موشها	حکایت دوازدهم شیر با نخجیران
حکایت سیزدهم درخت بزرگ و کوچک	حکایت چهاردهم معده و اعضاء
حکایت پانزدهم زاغ	حکایت شانزدهم روباه
حکایت هفدهم مرغ فروش و روباه	حکایت هجدهم شیر با گرگ و روباه
حکایت نوزدهم طوطی و گربه	حکایت بیستم شیر با روباه
حکایت بیست و یکم کبوترها	حکایت بیست و دوم ارباب صاحب ملک با اولادش
حکایت بیست و سوم شیر و گربه	حکایت بیست و چهارم طوطی و مار
حکایت بیست و پنجم روباه و قمری	حکایت بیست و ششم صیاد و خرس

موضوعات اخلاقی در نثر از نوع ادب تعلیمی هستند که معمولاً در قالب حکایات و قصه ارائه میشوند. «اقوام کهن از جمله آریاییها به طرح مطالب تعلیمی به صورت قصص تمثیلی مخصوصاً فابل علاقمند بودند.» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۸۴) از جمله این آثار عبارتند از: کلیله و دمنه، مرزبان نامه، روضه العقول، گلستان و...

نسخه «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر» به لحاظ اینکه از زبان حیوانات نقل شده است، از نظر فرم و مختصات درونی داستانی از نوع تعلیمی و «فابل» (ر.ک معانی و بیان، شمیسا، ص ۸۰) میباشند. تعدادی از این داستانها برگرفته از داستانها و حکایات کلیله و دمنه، مثنوی، گلستان سعدی، ازوپ (Aesop) و... هستند.

۱-۲- هدف و سؤال پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل ویژگیهای سبکی نسخه «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر»، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری است. در راستای رسیدن به این هدف، این پژوهش با این سؤالات روبرو است.

- ویژگیهای مشخص و بارز سبکی نسخه «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه التحذیر» چیست؟

- چه ویژگیهای سبکی در این نسخه، دلالت بر اقتضای آن از سبک کهن است؟

۱-۳- پیشینه پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر روی نسخه خطی انجام گرفته، تاکنون در مورد سبک‌شناسی این نسخه، پژوهشهای دانشگاهی صورت نگرفته است.

۴-۱- اهمّیت و ضرورت پژوهش و بیان نوآوریها

با توجه به اینکه سبک هر نویسنده حاکی از طرز بینش او است پژوهش حاضر هم در جهت شناسایی دبیر اعلم و هم معرفی « نسخه خطی » «تحریر ترجمه درالتثیر فی النصیحه و التحذیر» حائز اهمّیت است و همچنین به علت اینکه چنین موضوعی در پژوهشی مستقل بررسی نشده است، این مقاله در صدد آن است که ویژگیهای سبکی نسخه حاضر را بررسی و تحلیل نماید. چنین هدفی از ضرورت‌های پژوهش است.

۵-۱- شیوه پژوهش

شیوه این پژوهش، اسنادی- توصیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است.

۲- بحث و بررسی

۱-۲- ویژگی رسم الخط

در نسخه «تحریر ترجمه درالتثیر فی النصیحه و التحذیر» هیچ یک از علائم سجاوندی رعایت نشده است و همچنین علامتهای فتحه، ضمه، کسره و به کار نرفته است. مگر علامت تشدید که در دو مورد رعایت شده است.

برخی از ویژگیهای رسم الخطی این نسخه به قرار زیر است:

۱-۱-۲- نوشتن الف بدون مد در ابتدای کلمه

محلّ دفينه اشکار خواهد شد. (تحریر ترجمه درالتثیر، ساوجبلاغی: ص ۷۸)

۱-۲-۲- ی وحدت یا نکره بعد از کلمات مختوم به های غیر ملفوظ، به صورت یای کوچک تحریر شده است.

همسایه مورچه داشت که غافل نشده بود. (همان: ۱۲)

۲-۱-۳- تبدیل مصوت کوتاه «ا» به مصوت بلند «او»

پس گفت به مناسبت بزرگی جئه و خوردی جئه خر از آن شما (همان: ۶۳)

۲-۱-۴- سعی در پیوسته نویسی از جمله:

۲-۱-۴-۱- پیوستن علامت جمع به کلمه

چون گرگ حریص برای ثمرات و منافع عاجله خود رابه عذابهای آجله دچار ننماید.

(همان: ۵)

در میان جمله مرغها خروسی بود. (همان: ۱۴)

۲-۱-۴-۲- اتصال صفت یا ضمیر اشاره «آن» و «این» به کلمه بعد از خود

تدبیر کرد که به حيله آنمرغها از او بریاید. (همان: ۵۹)

- همین که برای آوردن آن روباه رفت اینروباه فرست به دست آورد برخاسته قفس را باز کرده همه مرغها را کشت. (همان: ۵۹)

با این حالت شجاعت تو معلوم نمیشود. (ص ۸۷)

۲-۱-۴-۳- اتصال پیشوند «بی» به کلمه بعد از

معنی این حکایت مهمته این است که کارهای خداوند بیچون از وهم و قیاس بیرون باشد. (همان: ۴۴)

۲-۱-۴-۵- اتصال حرف اضافه «به» به کلمه بعد از خود

گرگ و روباهی در خدمت شیری بصید رفتند خری و آهوپی و خرگوشی شکار کرده بیک جاننشسته و شکارها را در پیش روی خود حاضر آوردند شیر بگرگ اشارت نمود. (همان: ۶۳)

گفتند چه چیز است این زحمت و مشقت که حاصل است از برای ما و همه ما مشغولیم به شغلی که تعلق دارد بزحمت با حاصل شدن راحت همیشه از برای معده بعلت اینکه آن معده مشغول نیست بشیء و ابدا زحمتی ندارد. (همان: ۵۳)

۲-۱-۴-۶- اتصال جزء پیشین می در افعال

برای رفتن به آن باغ اطراف دیوار آن را گردش مینمودند و راه میجستند. (همان: ۶)

خرج زمستان تو چه زود تمام شده که کل بر ما میشود. (همان: ۶)

همینطور یکی از انجیر میخورد و یکی به آب میانداخت. (همان: ۳۲)

- پیوسته نویسی عدد و معدود

تا رسیدند بیکنفر شتر (همان: ۸۴)

۲-۱-۴-۷- پیوسته نوشتن نشانه مفعولی و مفعول

آن بیوفای بدکاره از نزد بوزینه آید ترا خفته و مریض بیند. (همان: ۳۴)

اگر ماهی نیکی ترا نداند خالق ماهی میداند و شاید که ترا هم روزی مکروهی پیش آید و از محنتی آن نیکی ترا دستگیر باشد. (همان: ۷۰)

۲-۱-۵-۵- عدم تمییز کاتب بین کلمه «خواست» و «خاست»

بعد از گذشتن جوجه فروش هم روباه برخواست و از بیراهه جلو افتاد در ثانی خود را مانند مرده به معبر مرغ فروش انداخت. (همان: ۵۹)

شیر آنجا آمد بدون اندیشه به خیال دریدن گاو به تله افتاد و صدایی از او برخواست. (همان: ۷۱)

۲-۱-۶- ضبط «ک» به جای «گ»

«در این متن از رسم الخط قدیم استفاده میشود، یعنی شیوه نگارشی که کاتب حروف «پ، چ، ژ» را با یک نقطه نوشته است و بین دو حروف «ک» و «گ» تمییزی قائل نشده

است.» (رسم الخط در قرن پنجم هجری، متینی: ص ۱۶۱)
پس غراب از حماقت دهان کشود تا امتحان آواز بدهد. (تحریر ترجمه درالنشیر،
ساوجبلاغی: ۲۵۷)

پس به خیال افتاد که آن کوشش نیز از آن سک بر باید خود را برای آن صورت منعکسه
به آب انداخت آنچه میدید خیال یافت کوشتی را هم که خود در دهان داشت به آب
افتاد. (همان: ۲۷)

۲-۱-۷-ابتکار در نقطه گذاری

گاهی واژه‌های سطر بالا و پایین را طوری هنرمندانه نوشته شده است که نقطه برای
هر دو واژه قابل استفاده است.

شیر را سخت به درخت پیچید بعد از آنکه محکم بست و کمال احتیاط به جای آورد
چوبی گفت الان قوت من

رسید و اسباب نگاهداری من فراهم شد. (همان: ۸۸)

در این متن سه نقطه «چ» در واژه چوبی و «ش» در شد برای این دو کلمه به طور
مشترک استفاده شده است.

۲-۱-۸- حذف «های» غیر ملفوظ موقع جمع بستن

این گربه مادامی که بر این حالت است لابد قطع میکند آثار ما را و خالی میگذارد از ما
خانهای ما را. (همان: ۱۷)

هر وقت طوطی از منزل خود برای کسب روزی بیرون میرفت، بچه‌های او از آشیانه خود
به زیر درخت آمده و با بچه‌های گربه بازی میکردند چون طوطی دید که بچه‌های او با بچه
های گربه به بازی مشغولند، به بچه‌های خود گفت ایمن نباشید از بچه‌های گربه. (همان: ۶۶)

۲-۱-۹- ضبط «ت» به شکل «ة»

حرف «ت» متأثر از رسم الخط عربی به شکل «ة» نگاشته است.

تا به کمال سختی خود را بیرون کشید و بجهت فکر نکردن در عاقبت کار متوجه شد
این مهلکه و مصائب را (همان: ۹)

طبیعت وحشیه هیچوقت تغییر داده نمیشود و هرگاه حیوانی متوحش الطبع اصلی به
واسطه تعلیم یا معاشرت کسب اخلاق حسنه نمود به تهذیب اخلاق تعلیمی او زینهار مغرور
نباید بود. (همان: ۶۸)

۲-۲- بررسی ویژگی سبکی

جهت بررسی ویژگیهای سبک‌شناسی، نسخه حاضر در سه سطح زبانی، ادبی و فکری
بررسی میشود. قابل ذکر است که خود ویژگیهای زبانی در دو سطح نحوی و واژه‌های بررسی
شده است.

۲-۲-۱- ویژگیهای زبانی

۲-۲-۱-۱- سطح نحوی:

کوتاهی جملات

در سراسر حکایات، جملات کوتاه بوده و گاهی، با حرف ربط به هم مربوط شده‌اند. این ویژگی باعث سادگی و فهم راحت شبکه استدلالیه پیرنگ شده و گره افکنی و بحران را از حکایات دور کرده است و باعث شده که داستان در یک ساختار خطی پیش رود.

غرابی رفت به دکان بقالی و قطعه پنیری ربود به مقدار صد درهم رفته به درختی نشست تا آن پنیر را بخورد روپاهی به زیر درخت بود. (همان: ۲۵)

شیری به زیارت حج رفت و بازآمد نخجیران را این خبر رسید با یکدیگر گفتند که شیر به حج رفته از ظلم و خونریزی توبه کرده و رجوع نموده. (همان: ۴۸)

تقدیم فعل

گرچه زبان تعلیمی معمولاً باعث نظم و ترتیب منطقی جملات میشود اما در نسخه خطی فوق به تبعیت از نحو عربی، به وفور در هم ریختگی اجزای جمله خصوصاً تقدم فعل دیده میشود.

صرصاری فصل تابستان و وقت جمع آوری قوت را ضایع کرد در خواندن و صدا کردن و غافل شد از جمع کردن روزی به جهت زمستان خود. (همان: ۶)

۲-۲-۱-۲- سطح واژه‌های

در سبک شناسی نثر، مهم‌ترین عامل، دقت بر انواع واژه‌ها و جملات است. اینکه برای نثر یک نرم متعارفی را قائل شویم که شمیسا از آن به «درجه صفر» تعبیر میکند (ر.ک سبک شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۷۴)، باید در بررسی سبک شناسی یک اثر ادبی به دنبال عواملی باشیم که کلام را به درجه صفر نگارش نزدیک یا دور کند. دبیر اعلم، در «تحریر ترجمه درالنثیر فی النصیحه و التحذیر» با توجه به کاربرد کهن واژه‌ها و واژه‌های فریبکار که روزگاری روایی داشتند و به تدریج از دایره واژه‌های ما حذف شدند، به آرکائیسم روی آورده که از ویژگیهای سبکی آن دوره محسوب میشود.

ترادف

به دلیل بسامد بالای ترادف، این ویژگی میتواند جزء ویژگیهای سبکی، زبانی و ادبی اثر باشد؛ احتمالاً در کاربرد آن به جنبه زبان آموزی نیز توجه داشته است. آنچه مسلم است این کلمات به شکل ترکیب عطفی به کار رفته‌اند و عمدتاً در ترتیب کلمات مترادف، ابتدا واژه مشکل و بعد واژه آسان قید شده است.

تا هر وقت اراده حرکت نماید به صدای جرس و زنگ خبر شده، فرار کنیم. (همان: ۴۵)

یکی از آنها را که فربه و چاقتر بود، انتخاب کرد. (همان: ۴)

با نهایت صعوبت و مشقت داخل شد. (همان: ۶)
گاهی دو جمله مترادف را پشت سر هم به کار برده:
چاره آن است که تمارض کرده، خود را به صورت مریض بستری داری (همان: ۳۴)
اما تو به واسطه بزرگی جثه تواضع نداری و سر فرو نیاوری (همان: ۵۲)
سیاحت و شناوری (همان: ۳۵) زنگ و درای (همان: ۴۷) کبر و نخوت (همان: ۵۰) زحمت و
مشقت (همان: ۵۰) جد و جهد (همان: ۵۵) سرشکسته و خفیف (همان: ۵۸) غدر اندیشید
و حيله کرد (همان: ۵۸) نادانی و جهالت (همان: ۶۶) مشقتی زیاد و زحمتی فوق
طاعت (همان: ۷۵) سعی و کوشش (همان: ۹۱) هلاکت و نابود شدن (همان: ۹۲) بهجت و
مسرت (همان: ۹۳) حفظ و حراست (همان: ۹۵)

واژه‌های فریبکار

این واژه‌ها عنا صر زبانی هستند که به صورت لفظی امروزی، اما در معنی کهن به کار
رفته‌اند. (واژه‌های فریبکار، سمیعی: ص ۱۳۲)
کبوترها دلا لت و همراهی غراب را قبول کردند... واو را دلیل راه قرار دادند. (تحریر
ترجمه درآلن شیر، ساوجبلاغی: ص ۷۵)
در تدارک راه و تهیات لازمه اهتمام نمودند و دلیلی تفحص نموده خواستند که در راه
بلد باشد و دلالت و هدایت نماید. (همان: ۵۳)

کاربرد واژه‌های کهن

به اقبال عهد فیروز یادگارهای چاکرانه گزارده (همان: مقدمه)
چه چیز مشغول کرده تو رادر فصل تابستان و مانع از جمع آوری روزی خود گردید که حالا
طفیلی شده و خرج زمستان تو چه زود تمام شده که کلّ بر ما می‌شوی (همان: ۷)
بندی که اصل تله بود به دندان گسیخت. (همان: ۲۰)
خود را به صیادی نمود. (همان: ۹۰)
پس رجوع کرد. (همان: ۳۸)
چیزی را به مشقت تمام تحصیل نموده بود. (همان: ۲۷)

کاربرد کلمات عربی

به جهت تسلط کامل به زبان عربی، از کلمات و ترکیبات عربی در متن فارسی بهره
جسته شده است.
شیری در راه عبوراً به گربه رسید سلام کرد. (همان: ۸۴)
عرض [کرد] خرگوش لقمه الصباح آن حضرت است. (همان: ۶۳)
در تحصیل آن مراقبتی مبذول داشت معهدا از ایصال به مطلوب محروم آمد. (همان: ۵۷)

روباهی به باغی رفت خوشه انگوری یافت به درخت کشیده و صعب الحصول از دیدن آن خوشه مسرور و شاد شد (همان: ۵۷)

بوزینه را سالمأ به خشکی رسانید. (همان: ۳۴)

شوی چون این سخنان از همسایه شنود، کما هو حقه عمل نمود. (همان: ۳۵)

چنان بفهمان که دردی است درونی و مرضی صعب العلاج (همان: ۳۴)

در نهری از نهرها یک ماهی بود که مسلط شده بود به خوردن ماهیان کوچک و مطلقه التصرف بود (همان: ۴۰)

عاقبت کار به بلیته شرک دچار و گرفتار خواهد شد. (همان: ۱۳)

با وجود حضرت خالق واهب العطايا چنان قرار داد که وقتی معین به عبادت بردارم. (همان: ۶۴)

هرگاه حیوانی متوحش الطبع اصلی به واسطه تعلیم یا معاشرت کسب اخلاق حسنه نمود. (همان: ۶۸)

بالمثل (همان: ۴۳) قطا (همان: ۳۹) حدا (همان: ۳۹) مقل (همان: ۴۸) دفینه (همان: ۷۷) مراح (همان: ۷۲)

در موردی حتی ترکیبی به کار برده که واژه ای از آن ترکیب فارسی و واژه‌های عربی است:

دریای محیط (همان: ۴۱) که همان بحرالمحیط عربی است که در فارسی به صورت دریای بزرگ استفاده میشود. (ر. ک: دهخدا)

قابل ذکر است که واژه‌های مشکل متن، همین واژه‌های عربی هستند.

توجه به زبان ترکی و ساخت افعالی بر آن اساس

دبیراعلم، به جهت تسلط به زبان ترکی گاهی فعلهایی استفاده کرده که ترجمه لفظ به لفظ ترکی به فارسی است؛ این امر باعث شده که رگه‌هایی از عامیانه بودن در سخن او راه یابد. وی ضمن بهره‌مندی از زبان فاخر گذشته، ترکیباتی خلق کرده که ریشه در زبان ترکی دارد و با کاربرد لفظ به لفظ آن از ترکی به فارسی، ضمن خلق ترکیبات جدید و گسترش زبانی، به عامیانگی سوق پیدا کرده است. این استفاده زبانی، تنها در کاربرد افعال مصداق پیدا میکند. از این جهت از این عناصر تنها در معنی آفرینی استفاده کرده بدون آنکه در زایش تصویرسازی مؤثر باشند.

تنگ شد سینهاش و کینه ورزید. (همان: ۳۵)

در فارسی این ترکیب به شکل «دلتنگ شدن» به کار میرود در حالیکه چنین کاربردی از سوی دبیراعلم، دقیقاً متأثر از ترکی است که اگر بخواهیم از حیث کاربرد ترکی آن را جزء به جزء کنیم، تنگ شد+ سینهاش، در واقع همان ترجمه لفظ به لفظ ترکی است.

هر گاه مرا بردارید در خدمت و آسایش شما از اینجا تا به حج و از حج تا به اینجا بذل مراقبت خواهیم داشت (همان: ۷۴)

استفاده از کلمات امروزی

شیر چون این سخنان شنید عقلش از سر پرید. (همان: ۳۸)

تماز کرده خود را به صورت مریض بستری داری. (همان: ۳۴)

لکن من فرحناک و مسرور شدم. (همان: ۲۲)

صدای تو را بشنوم از تو ممنون خواهیم بود. (همان: ۲۵)

۲-۲-۲- سطح ادبی

دبیر اعلم تبحر کامل در انواع فنون، فصاحت، بلاغت، آرایه و صنایع دارد که نگارش کتاب مدارج البلاغه گواهی بر این ادعا است. چرا که با مطالعه آثار بر جای مانده از وی، تجلی انواع آرایه‌های ادبی غیر قابل انکار است.

۲-۲-۱- حوزه بیان

از آنجا که تصویرپردازی در نسخه فوق کم بوده؛ لذا صنعت تشبیه خیلی کم به کار رفته است و استعاره اصلاً وجود ندارد.

تشبیه

با توجه به اینکه تشبیه، موجب اطناب کلام و استعاره سبب ایجاز در سخن می‌شود، بنابراین در آثار منثور، بسامد تشبیه بیش از استعاره است. خود را مثل مرده به در سوراخ موشها کشانید. (همان: ۱۷)
گربهای آنجا بود مانند شیر درنده (همان: ۱۷)
میبینم پوست او را آتش افروز انبارگاه (همان: ۱۹)
هر مویش در هلاک موشان، آتشی است ملتهب (همان: ۱۹)
در مواردی نیز به صورت اضافه تشبیهی آمده است:
گنج زراعت (همان: ۷۸) دام حيله (همان: ۹۳)

کنایه

میبینم پوست او را آتش افروز انبارگاه؛ کنایه از این است که هر مویش در هلاک موشان آتشی است ملتهب. (همان: ۱۹)
سنگ پشت گفت تو که خاین نیستی و چشم خیانت را پوشیده (همان: ۳۵)
موشها را از این عدو دل خون و روزگار تیره (همان: ۴۵)
عقلش از سر پرید. (همان: ۳۸)

مجاز

چوبی گفت الان قوت من رسید. (همان: ۸۶) چوبی مجاز از مرد چوب به دست است.

تنگ شد سینهاش و کینه ورزید. (همان: ۳۳) سینه مجاز از دل مییاشد.

حوزه بدیع

برخی از آرایه‌های بدیعی از جمله انواع جناس، تتابع اضافات، تضاد و... موجب موسیقی درونی در متن میشوند و دبیر اعلم بایسته و شایسته از آنها بهره جسته است.

- سجع متوازی

شناسایی با مردم بیعقل نباید و دوستی اشخاص پست فطرت نشاید. (همان: ۳۷)

به جهت اینکه به تدبیر مرد عاقل خبیر، نجات مییابند از خوف خلق کثیر. (همان: ۲۰)

- سجع متوازن

معهدا از ایصال به مطلوب محروم آمد. (همان: ۵۷)

پس ملاحظه کن که اذیت بنده صادق و خادم موافق از آقای خود ناگوار است. (همان: ۲۳)

- سجع مطرف

در دنیا به قناعت و فقر و حلال صبر کند به آخرت راحت و فراغت یابد. (همان: ۱۰)

در این کشمش باغبان خبر یافت و به سراغ او شتافت. (همان: ۶)

- جناس

چون گرگ حریص برای ثمرات و منافع عاجله خود رابه عذابهای آجله دچار نماید. (همان: ۵)

(۵)

هیچ آرزو و انتظار نباید داشت که آنچه با او سلوک نموده با تو مقابله کرده مسلوک بدارد.

(همان: ۳۸)

سزاوار نباشد مرد را اینکه بگوید چنین و چنان خواهم کرد. (همان: ۴۵)

پس جد و جهد کردند. (همان: ۵۵)

چون به خیال رنج، گنج برده و این خدمت کردند. (همان: ۷۸)

سبحان الله از این صورت زیبا و از این صوت شیوا (همان: ۹۳)

شیر، شتر (همان: ۷۲) اسب، است (همان: ۷۳) خر، مسخر (همان: ۸۵) انسان، انس (همان: ۸۴)

- اشتقاق و شبه اشتقاق

مفارقت کردم رفیقی را که به عهد خویش وفا نداشت و رفاقت کردم با دشمن خود. (همان: ۲۳)

(۲۳)

هیچ آرزو و انتظار نباید داشت که آنچه با او سلوک نموده با تو مقابله کرده مسلوک بدارد. (همان: ۳۸)

(همان: ۳۸)

کوچکی جسم من به جهت انس با انسان است. (همان: ۸۴)

باعث آن میشود که از آقای خود نفرت کند و با دشمنی که همیشه نفور داشته، رفیق شود.

(همان: ۲۵)

نانجیبی نیز قلب به نجات نمیشود. (همان: ۴۹)

بهتر آن است که با او صلح کنیم تا صحت اصلیه باز آید چون اصلاح کردند (همان: ۵۵)
مقصود پدرشان حاصل شد و از این خدمت محصول زیادی به دست آوردند (همان: ۷۸)

۲-۲-۲-۲-۶- تضاد

«تضاد از ابزار مهم نثر نویسان است و باعث تأکید در مفهوم و برجستگی تخیل میشود.»

(سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۷۵)

در این اثر همان طور که از کلمات مترادف در کلام خود بهره جسته شده است، بسامد واژه‌های متضاد نیز بسیار است. این واژه‌های متضاد گاهی از هم فاصله دارند و گاهی با او عطف به هم مربوط شده‌اند.

محبت بوزینه مبدل بغض شده تف به صورتش کرده به کار خود رفت. (تحریر ترجمه درالنشر، ساوجبلاغی: ۳۷)

در دنیا به قناعت و فقر و حلال صبر کند، به آخرت راحت و فراغت یابد. (همان: ۴)
کیوترها دلالت و همراهی غراب را قبول کردند و راست و دروغ او را تشخیص ندادند (همان: ۷۵)

غرض از این نادره، لزوم صبر است در کارها و عجله نکردن در امور (همان: ۲۰)

دشمن عاقل بهتر است از دوست نادان (همان: ۹۶)

حتی به دفعات از جملات متضاد نیز بهره جسته است:

شجاعت تو معلوم نمیشود، بلکه نامردی تو ثابت میشود. (همان: ۸۸)

طوطی را زنده بگیرد و کشته صید نکند (همان: ۹۱)

مشقت و تعب (همان: ۴۱) صحت و مرض (همان: ۵۴)

چون قوت و شجاعت فطری با عقل ضمیمه باشد، نفع میدهد صاحب خود را و سبب خواهد بود به نگاهداری صاحب خود به خلاف قوه و قدرتی که بیعقل باشد که چنین قوتی بیعقل همیشه صاحب خود را در مضرات و مهلکه خواهد داشت. (همان: ۹۰)

-تکرار واژه

بچه‌های او از آشیانه خود به زیر درخت آمده و با بچه‌های گربه بازی میکردند چون طوطی دید که بچه‌های او با بچه‌های گربه به بازی مشغولند، به بچه‌های خود گفت ایمن نباشید از بچه‌های گربه. (همان: ۶۶)

وقتی معین به عبادت بردارم وقتی به کسب معاش بهتر آن است که کسب معاش هم عبادت حق باشد. (همان: ۶۴)

غافل شد از جمع آوری روزی به جهت زمستان خود پس محروم شد از روزی زمستان (همان: ۶)

-تنسيق الصفات

بسامد بالای تنسيق الصفات نه تنها باعث اطباب کلام نشده، بلکه باعث گسترش واژه‌های نیز میگردد. از طرفی دیگر آهنگ جملات را نیز، دلنشین میکند. همچنین در معرفی شخصیت‌های داستان، بسیار مؤثر است که احتمال می‌رود مورد اخیر بیش از موارد دیگر مصداق دارد.

قمری ساده لوح خوش اعتقاد و خوش باور فریب خورد و نزدیک روباه آمد. (همان:

۹۳)

برای مخلوق ضعیف سزاوار نباشد اعتراض و ایراد به خداوند حکیم قادر پس در هر شی آیتی است که به وحدانیت مالک الملک لم یزل و به حکمت بالغه خداوند لایزال دلالت دارد. (همان: ۴۵)

۲-۲-۲-۲-۹- تنابع اضافات

تنابع اضافات در واقع نوعی ترکیب اضافی توسعه یافته است که به شکل یک رشته به هم پیوسته، مانند تنسيق الصفات آهنگ خوشایندی را ایجاد میکند.

فکر صائب مرد عاقل سبب تسهیل امور مشکله میشود. (همان: ۵۶)

- تضمین

این اثر آراسته به به صنعت تضمین است. در پایان هر حکایت، یک بیت شعر، آیه یا مثلی سائر را به جهت قوت و اعتبار بخشیدن به کلام خود استفاده شده است.

- اگر چه آن مخاطره سالم از بلا باشد بجهت آنکه بسا میشود که انسان را به هلاک میرساند. «انَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ أَلَّا مَا رَجِمَ رَبِّي» (همان: ۱۴)

- تشخیص

با توجه به اینکه عمده حکایات این نسخه از زبان حیوانات می‌باشد. تشخیص بارزترین آرایه این متن بوده و حتی غیر از حیوانات، اعضا بدن نیز به سخن درآمده‌اند و حتی عناصر طبیعت نیز در این رخداد مشارکت دارند و جان گرفته‌اند. در این داستانها به واسطه نیروی خیال، همه چیز در جنبش و حرکت بوده و صفتی انسانی گرفته و به قول شفیعی کدکنی همه چیز مملو از زندگی و حیات است. (صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۱۴۹)

اعضا جمع شده و با یکدیگر عقد مشورت بستند. (تحریر ترجمه درالنثیر، ساوجبلاغی: ۵۳) شجره عاجزه گفت من با این بزرگی و عظمت جثه از هوا همه روزه در عذابم. (همان: ۵۰) سنگ پشت در مقابل نعمتی که در ظل بوزینه به او میرسید خواست تا شکر انعام او گوید.

(همان: ۳۲)

شیری به زیارت حج رفت و بازآمد نخجیران را این خبر رسید. (همان: ۴۸)

- اسلوب معادله

چنانکه شیر دوشیده شده به پستان عود نمیکند، نانجیبی نیز قلب به نجابت نمیشود.
(همان: ۴۸)

- مناظره

شجره عاجزه جواب داد که راحت من از عجز و ضعف من است که در وزیدن باد تابع اویم و به هر جانب میخواهد میل میکنم و فروتنی دارم به درجهای که سر خود را به خاک میزنم و چون هوا منقطع میشود باز رجوع میکنم اما تو به واسطه بزرگی جثه تواضع نداری و سر فرو نیاوری این است که تو همیشه در عذاب و من همه وقت به راحتم. (همان: ۵۰)

گرچه در جواب گفت: کوچکی جسم من به جهت انس با انسان است شیر گفت: چه چیز است جنس خلقت انسان خواهش دارم با من بوده او را بنمایی. گرچه اطاعت کرد به اتفاق با کمال شوق دیدن آدمیزاد راه افتاده، رفتند تا رسیدند به یک نفر شتر. شیر از گرچه پرسید: این است انسان؟ گرچه گفت: خیر. این شتر است. انسان این را به زمین خوابانده، بار کرده، سوار شده به هر طرفی که میخواهد میروند. پس از آن اسبی دیدند شیر گفت: آیا این است انسان؟ گرچه گفت: نه این اسب است. انسان این را زین میکند و سوار میشود و میراند به جانب مقصود. (همان: ۸۴)

- واگویه درون (فرد با خود سخن میگوید)

چون آنجا رسید هم روباهی مرده دید با خود گفت بهتر آنست که پوست این دو روباه مرده در آرم و از آنها نیز نفعی ببرم به این خیال قفس مرغها به زمین گذاشت. (همان: ۵۹)

غدر اندیشید و حيله کرد و گفت کاش این همه زحمت نمیبردم که این انگور ترش است و لایق زحمت نیست و به کار نمیآید. (همان: ۵۸)

با خود اندیشید و به صانع اعتراض نمود که هر گاه من قادر میشدم، کدو را ثمر درخت گردم و جوز را در بوته کدو قرار میدادم (همان: ۴۴)

با خود گفت گردوی به این کوچکی این صدمه را زد اگر ثمر این درخت به بزرگی کدو میشد، بر من چه میگذشت (همان: ۴۴)

- تمثیل یا ارسال المثل

برای محکم کردن منظور خود از تمثیل و ارسال المثل بهره جسته است.

«درخت مقل نه خرما دهد نه شفتالو» (همان: ۴۸)

دلالت زاغ به مردار سگهاست. (همان: ۷۷)

اگر ماهی نیکی تو را نداند، خالق ماهی میداند (همان: ۷۱)

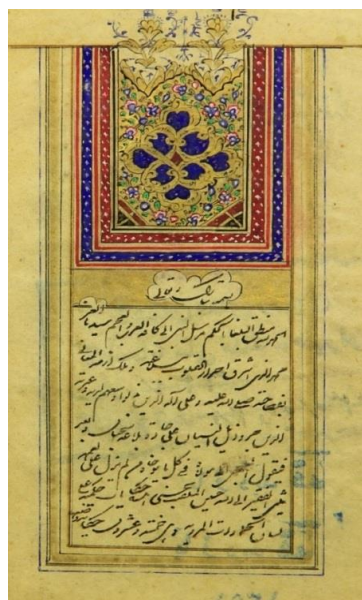
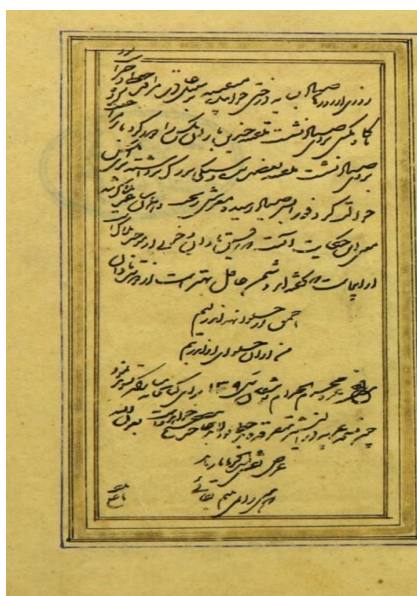
- طرد و عکس

چون خدمت کردی زمین را، خدمت میکند زمین تو را. (همان: ۷۸)

مشاهده است. بیشتر از بدیع لفظی استفاده شده تا بدیع معنوی و صنایع معنوی بکار رفته در آن، عمدتاً ساده هستند. همهٔ مهارت این کتاب در خدمت حکمت و موعظه است و مختصات زبان کهن فارسی را دارد. چند واژهٔ امروزی نیز در متن به چشم می‌خورد همچنین مواردی از ساختار زبان مهاجم یعنی ترکی و عربی نیز در آن دیده می‌شود. از جهت کمال التفات به ادب عرب قابل توجه است. نثر این اثر به لحاظ محتوا بر لغات و جملات عربی، تشخص دارد. در به کارگیری جملات به سیاق عربی ابایی نشده و تمایل به ادب عرب را باید در موروثی بودن این زبان در خاندان مترجم دانست. تبعیت از جمله‌بندی عربی، وجود ترکیبات و واژه‌های عربی و تطابق موصوف و صفت از جهت رعایت مونث بودن به شیوه نحو عربی، از موارد تأثر او از این زبان است. کلام در «تحریر ترجمه در التثیر فی النصیحه و التحذیر» مخیل نیست و به کمک تشبیه و استعاره و کنایه صورت نمی‌گیرد. عمدتاً واژه‌ها ساده و جملات روشن و کوتاه است هر چند که در لابلای آنها چند واژهٔ مشکل و نامانوس نیز دیده می‌شود. جملات آهنگین و هنری نیستند و از آنجا که محور جانشینی، محور کلمات و محور همنشینی، محور جملات است، در ترجمهٔ حاضر، شاهد بار تخیل در محور همنشینی نیستیم. متأثر بودن از نحو و زبان عربی، بسامد بالای واژه‌های و عبارات مترادف و متضاد، کوتاهی جملات و تکرار واژه‌ها از ویژگی بارز سبکی این اثر است.

تصویر صفحه انجمن

تصویر صفحه آغازین



فهرست منابع و ماخذ

- منتظم ناصری، اعتماد السلطنه، (۱۳۶۳)، به تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، چاپ اول.
- گونه‌های نثر فارسی در عصر قاجار حاجی بابایی، محمد رضا، (۱۳۹۴)، تهران: نشر حکایت قلم نوین.
- تراجم الرجال، حسینی اشکوری، احمد، (۱۴۳۹ ق)، نجف: دارالکفیل للطبع و النشر و التوزیع، چاپ چهارم،
- فهرست نسخه‌های خطی، _____، (۱۳۷۷)، قم: مرکز احیاء میراث اسلامی.
- تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، خاتمی، احمد، (۱۳۷۳)، جلد اول، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا، چاپ اول.
- فهرستگان نسخ خطی ایران، درایتی، مصطفی، (۱۳۹۰)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه و کتابخانه ملی جمهوری ایران.
- لغت نامه فارسی، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۱) چاپ دانشگاه تهران
- تحریر ترجمه در النثیر فی النصیحه و التحذیر، ساوجبلاغی (دبیر اعلم)، میرزا تقی، (۱۳۷۰)، نسخه خطی: تهران: کتابخانه ملک.
- ترجمه امینیه اتابکیه، _____، نسخه خطی به شماره ۱۴۸۰ تهران: کتابخانه ملک.
- نظم صحیفه سجادیّه، _____، نسخه خطی به شماره ۱۴۵۶۶ تهران: کتابخانه مجلس.
- دیوان اشعار، نسخه خطی به شماره ۴۹۹، قم: کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی.
- نظم مصباح الشریعه _____ نسخه خطی به شماره ۱۶۴، قم: کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی.
- واژه‌های فریبکار ترجمه حکیمه دسترنجی، سمیعی گیلانی، احمد، (۱۳۷۶)، نامه فرهنگستان، سال سوم شماره ۱۱، ص ۱۴۷-۱۳۱
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، (۱۳۹۸)، تهران: آگاه.
- بیان و معانی، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، تهران: فردوس، چاپ هفتم.
- سبک شناسی نثر، _____، (۱۳۸۴)، تهران: میترا، چاپ نهم.
- دبیر اعلم ساوجبلاغی و کتاب چاره ساز شرح کلمات قصار نهج البلاغه، صفری، علی اکبر، (۱۳۸۹)، مجله پیام بهارستان، شماره ۸، دوره دوم، سال دوم، صص ۵۶۴-۵۹۳
- تحریر العقلا اثر شیخ هادی نجم آبادی، فروغی، میرزا ابوالحسن، (۱۳۷۸)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- تذکره خوشنویسان، لسان الملک، هدایت الله، (بیتا)، تهران: انتشارات یساولی.
- رسم الخطّ در قرن پنجم هجری، متینی، جلال، (۱۳۴۶)، جستارهای ادبی تابستان و پاییز شماره ۱۰-۱۱، ص ۱۵۹-۲۰۶
- بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی، یلمه‌ها، احمدرضا، (۱۳۹۰)، پژوهش نامه زبان و ادبیات فارسی، سال سوم، شماره نهم، ص ۱۶۲-۱۳۹